

اسب کربلا

زیست مذهبی مسلمانان در هند

دیوید پینالت

مترجم: طاهاربابانی



مشروما

۱۳۹۹

سرشناسه	پینالت، دیوید، ۱۹۵۳ - م. Pinault, David
عنوان و نام پدیدآور	اسب کربلا؛ زیست مذهبی مسلمانان در هند / نویسنده دیوید پینالت؛ مترجم طاها ربانی.
مشخصات نشر	اصفهان: آرما، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۴۰۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	عنوان اصلی: Horse of Karbala: Muslim devotional life in India, ۲۰۰۱.
عنوان دیگر	زیست مذهبی مسلمانان در هند.
موضوع	تعزیه -- هند
موضوع	Ta'ziyah -- India
موضوع	شیعیان -- هند -- شاعری و مراسم مذهبی
موضوع	Shiites -- India -- Rites and ceremonies
موضوع	واقعه کربلا، ۶۱۰ ق.
موضوع	۶۸۰ J. Karbala, Battle of, Karbala, Iraq
نامۀ افزوده	ربانی، طاها، ۱۳۶۴-، مترجم
شناسه افزوده	مظاهری، محسن حسام، ۱۳۶۱-، دبیر مجموعه
رده بندی کلاسیک	BP۲۶۰/۳
رده بندی دیسی	۲۹۷/۷۴۶
شماره کتابشناسی	۶۱۲۶۶۳۳



نشر آرما

اسب کربلا

زیست مذهبی مسلمانان در هند

دیوید پینالت

مترجم: طاها ربانی

ویراستار: گروه ویراستاری خط

سر ویراستار: سمیه سادات حسینی

طراحی و صفحه‌آرایی: گروه فرهنگی هنری مسک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۷۵-۲

شمارگان: ۱۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹ / قیمت ۷۰۰۰ تومان

کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن (به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی)

بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۱۵	مقدمه و سپاسگزاری
۲۳	[تصاویر]
۴۱	یک: سرآغاز: حیدرآباد، ۱۹۸۹
۵۹	دو: مقدمه‌ای بر سنت شیعی در سلا
۶۱	مرگ در کربلا: شهادت حسین [ع] و اهمیت آن در پرتو الهیات شیعی
۶۴	سنت شیعی در هند: نمایی تاریخی
۷۶	در رثای عباس [ع]: سوگواری و مرثیه در درگاه رنج‌بر
۸۵	سه: خون و عقلانیت و آیین در سنت شیعی
۸۷	عطیه ملک: ارتباط پاکی و آیین با مسئله تسلط بر نفس
۹۳	انواع عشق مرگ: خون و شهادت در سنت شیعی و سنت عرفی صوفیان
۱۱۹	زیبایی‌شناسی اشعار محرمی: تجربه و خاطرات و یافت اجرا [ی مراسم]
۱۲۵	چهار: «من را کنار برادرم دفن کنید!»
	نقش زنان در ادبیات دینی شیعه
۱۲۷	مقدمه: نزاکت در محرم و نقش‌های زنان و مردان در محیط‌های آیینی عمومی
۱۳۳	فاطمه منیر: اندوهی ابدی، توری آسمانی
۱۴۰	فاطمه کبری و سکینه بنت حسین: تألمات دراماتیک و رنج‌های شهدا

شهربانو و اتحاد «دو جواهر» ۱۴۶

زینب و ام‌کلثوم: چهره‌های مقاومت ۱۴۸

تصویر زنان کربلا در نوحه‌ها و اشعار سوگواری ۱۵۰

در باب تغییرپذیری سمبل‌ها: زینب و انقلاب ۱۹۷۹ ایران ۱۶۲

نتیجه‌گیری: اسطوره و تاریخ‌مندی در سنت شیعی ۱۶۵

پنج: آیین شیعی در محیطی شنی ۱۶۷

مقدمه: دیدگاه‌های کلوب چای کارآن ۱۶۹

آیین سوگواری به مثابه کارناوال: مجادلات بر سر مناسک محرم در دارجیلینگ ۱۷۶

شش: سب کربلا ۲۰۱

مقدمه: به ابراهیم خوش آمدید: احضار من به پادگان پلیس ۲۰۳

«دل‌م‌راست»: راکنش شیعیان لداخ به دسته اسب کربلا ۲۱۶

منابع تاریخی درباره آیین ذوالجناح در ابتدای امر ۲۲۰

مذهب و مجادلات: اتباع به سب کربلا در مآخذ شیعی از قرن شانزدهم تا کنون ۲۲۲

هنر طراحی پوسترو تنوای شنی در جنوب آسیا ۲۳۴

مقدمه: «سرزمینی دل‌پذیر برای سفر» ۲۳۹

«گونه‌گونی عشاق خاندان پیامبر»: الهیات برای آیین‌های محترمی لداخ ۲۴۲

اسب کربلا: توصیفی از دسته ذوالجناح در شهرستان له ۲۴۵

سازگاری طایفه‌ای و تنش‌های طایفه‌ای در دسته ذوالجناح ۲۵۷

هشت: آیین‌های سوگواری شیعه و بازتفسیر آموزه شفاعت ۲۷۳

شفاعت و آموزه قرآنی توحید: بیان مسئله ۲۷۵

توبه و شفاعت در سنت شیعی: اعتقاد به جبر در نبرد کربلا ۲۷۶

شفاعت و آیین‌های سوگواری: مسائل بحث‌برانگیز اخیر ۲۸۵

نهم: روز شیر ۳۰۹

قصه سفر: چگونه به آنجا رسیدیم: سوار بر ماشین، از کشمیر تا لداخ، در جستجوی

۳۱۱	بحران کارگیل
۳۱۸	روز شیر: اولین سرنخ‌ها در تحقیقات من
۳۲۲	بحران سال ۱۹۹۹ کارگیل و کشمکش میان مسلمانان و بوداییان در لداخ
	«قلب شیر»: توجیهات عقلانی شیعیان برای آیین‌های سوگوارانه تابستانی در لداخ
۳۲۷	
۳۳۶	آیین‌های خون و سیاست خونین در شهرستان کارگیل
۳۴۱	روز شیر در روستای چوشوت، لداخ
۳۴۳	گریز؛ هنر زائر؛ دیوار آویزهای نذری لداخی‌ها
۳۴۶	اساس سربلانی و نقش آن در آیین تابستانی
۳۵۱	ده: مواجهه با شیبان در ایالات متحده
۳۵۳	مقدمه: معنای دیشیکا
۳۵۸	خاطراتی از کلاس درس
۳۶۴	شیعه‌بودن و آمریکایی‌بودن: شش آیینی در قرن بیست و یکم
۳۷۷	یادداشت‌ها

بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۹، هفت سفر تحقیقاتی به جنوب آسیا کردم. صرف‌نظر از سفری جانبی به پاکستان برای دیدن زیارتگاه‌های صوفیان در لاهور و سفری تفریحی به سری‌لانکا برای دیدار از اکر یارت‌های بودایی‌ها، تمرکز من روی هند و اقلیت مسلمان شیعه آنجا بود. در محیط‌های مختلف هند آیین‌های مذهبی‌ای را بررسی کردم که در بزرگداشت امام حسین [ع] برگزار می‌شد. امام حسین نوه حضرت محمد [ص] بود و در قرن هفتم میلادی در بیابانی در سراسر به ناه کربلا در میدان نبرد به شهادت رسید. حسین در ماه محرم (اولین ماه در تقویم اسلام) درگذشت. در سرتاسر جهان هر ساله مسلمانان شیعه این ماه را به عزاداری بر حسین و دیگر یاران کربلا که در کنار او از دنیا رفتند، اختصاص می‌دهند.

در سفرهایم، به سه مکان در شبه‌قاره توجه ویژه‌ای داشت. اولین آن حیدرآباد در جنوب مرکزی هند بود. در آنجا شعائر شیعی^۱ (مشخصاً تکریم علم،^۲ من پرچم‌هایی که در کربلا حمل شده) نشان از تأثیر هندوئیسم دارد. اوقاتی که در آنجا بودم، به من این فرصت را داد تا تعاملات شیعی-هندویی را در محیطی آیینی بررسی کنم. در حیدرآباد بود که برای اولین بار با خودزنی به مثابه نوعی قالب هنری مواجه شدم و فهمیدم که از شعر به عنوان راهی برای رستگاری پس از مرگ استفاده می‌شود.

دومین محلی که به آن پرداختم دارجیلینگ بود، ناحیه چای‌کاری در کوهپایه‌های

هیمالیا در ایالت بنگال غربی. در آنجا مسلمانان سنی به برگزاری عزاداری های محرم اهتمام بیشتری داشتند تا مسلمانان شیعه. نشانه های محرم در دارجیلینگ عبارت اند از چوب بازی و طبل زنی و به راه انداختن دسته های همورد؛ این دسته ها بیشتر کارناوال هستند تا دسته عزا.

چند سال پیش تمرکز را روی منطقه سومی قرار دادیم؛ لداخ، ربع شمال شرقی ایالت نامو و کشمیر، قلمرو سرحدی هم مرز با پاکستان و تبت. جمعیت آنجا شامل بودایی ها و سنی ها و شیعیان می شود. حضور نظامیان هندی در لداخ (که به سبب درگیری های متناوب با چین و پاکستان در دهه های اخیر افزایش پیدا کرده) نمای مذهبی منطقه را تنوع بیشتری داده؛ چون برای سربازانی که در لداخ به پاسداری مشغول اند معابد هندو و سیک بسیار شده است. وقتی در لداخ بودم به مطالعه دسته های محلی ذوالجناح پرداختم. در این دسته ها سبی را به عنوان نریان جنگی حسین [ع] زین و برگ می بندند و بدون سوار در خیابان های شهر ایی همچون له، مرکز لداخ، می گردانند. در دسته های ذوالجناح یال و پهلوهایی اسب کربلا، رنگ قرمز می زنند تا یادآور زخم های سوار و اسبش در میدان نبرد باشد. با آمدن نریان، سوگواری به اوج می رسد و جمعیت حاضر در خیابان گریه می کنند و خودشان را می زنند. دسته های اسب کربلا در بازار اصلی له حرکت می کنند و همه امکان مشارکت در آن را دارند. بر این همین جمعیت های مختلف در آنجا به هم آمیخته می شوند. این وضعیت به ما این فرصت را می داد که رابطه میان مسلمانان شیعه و سنی با جوامع بودایی منطقه را مطالعه کنیم.

در این کتاب توجه خود را به طور خاص به سه مبحث اختصاص دادیم. در اولین مبحث به این نکته پرداخته ام که جوامع مسلمان امروزی در مقایسه با گذشته چگونه سنت های مذهبی شیعی را اجرا می کنند و چه اصلاحاتی در آن ایجاد کرده اند. در بخشی از این جست و جو درون مایه سنت های مکتوب قدیمی را پژوهیده ام و به این نکته توجه کرده ام که چگونه این درون مایه ها در شعرهای محلی و رسم های دینی امروزی متجلی می شود. برای اینکه این مطالب تا جای ممکن برای خوانندگان قابل فهم شود آثار

مختلفی را از منابعی به زبان‌های عربی و فارسی و اردو به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌ام. در مبحث دوم به چیزهایی پرداخته‌ام که آن‌ها را نقاط هم‌گرایی میان درک مذهبی اسلامی و درک مذهبی مسیحی می‌بینم یا به صورت مشخص‌تر، نقاط هم‌گرایی میان زندگی آیینی مسلمانان شیعه و زندگی آیینی پیروان کلیسای کاتولیک. من این مبحث را فقط به این دلیل در این کتاب نگنجانده‌ام که شعائر شیعی برای بعضی از خوانندگانی که پیشینه غیراسلامی دارند قابل فهم‌تر شود، بلکه این کار را به این دلیل نیز کرده‌ام که به پیران سنت‌های اسلامی و مسیحی راهی را نشان دهم که از همدیگر چیزهایی یاد بگیرند. در جای جای این کتاب و به خصوص در فصل آخر از این حرف می‌زنم که امکان همکاری در کارهای مسووع برای اسلام و مسیحیت که با یهودیت میراث مشترک ابراهیمی دارند در قرن بیست و یکم فراهم است.

آخر سر در این کتاب تلاش کرده‌ام تا بیاتم را به عنوان فردی آمریکایی که در هند درباره جوامع شیعه تحقیق می‌کند، خوانندگان منتقل کنم. فرض را بر این گذاشته‌ام که ابعاد شخصی این تحقیقات نیز از پشت پرده برداشته شود، نه فقط به این دلیل که می‌توانم در خلال آن به داستان‌گویی بپردازم، بلکه به این دلیل که توجه خوانندگان را به دیدگاه ناگزیر محدود خودم به عنوان فردی خارجی و غریبه جلب کنم. برای محسوس کردن چیزهایی که در هند دیده بودم، نه تنها به آموختن‌های تخصصی‌ام در زبان عربی و متن پژوهی متوسل شدم، بلکه سراغ پیشینه شخصی‌ام در مذاهب کاتولیک نیز رفتم.

در پایان، چیزی که کار میدانی را به اتفاقی خوشایند و به یادماندنی تبدیل می‌کند، جنبه شخصی آن است؛ فرصت دوستی در محیط‌هایی که آدم غریبه در آن مجبور است به میزبان‌ش اعتماد کند تا حمایت شود. من این اقبال را داشتم که به هرکجای هند که قدم گذاشتم با مهربانی و سخاوت‌مندی روبه‌رو باشم. در حیدرآباد از مهمان‌نوازی میر صابر علی زوار، بنیادگذار و دبیر انجمن معصومین و حسن عباس رضوی، شاعر و مداح انجمن پروانگان حسین برخوردار بودم. سید عباس علی از هیئت امام زمان برای من

امکان مصاحبه‌ای را فراهم آورد که منجر به اولین مواجهه من با هیئت‌های سوگواری در حیدرآباد شد. همچنین یاد مرحوم انصار حیدر عابدی را با تأثر گرامی می‌دارم، کسی که برای برگزاری ملاقات با رهبران جوامع شیعی نقش رابط را بازی می‌کرد و کسی که در سال ۱۹۹۱ از من دعوت کرد تا به عنوان بهیار در ایستگاه کمک‌های اولیه‌اش در تکیه زنجیرزنی اصلی شهر خدمت کنم.

در دارچیلینگ افراد مختلفی به یاری‌ام آمدند: محمد مقبول بات بادامی و برادرش ع. الرشید از انجمن اسلامی؛ مسئولان کمیته محرم صدر بازار و کمیته دکتر ذاکر حسین، به خصوص التماس فضلی؛ حبیب‌الله و رمضان بات، از انجمن خیریه مسلمانان تبتی هندی دارچیلینگ؛ الطاف فضلی، از بازار هنری جولی؛ اس. احمد بابا، رئیس دادگستری روست بنگال، که دیدم را به مسائل سیاسی منطقه باز کرد؛ و ایندرا گانگیا، صاحب تکیه میت تراول که به من دلگرمی داد و در کافه گلنری به چندین فنجان چایی مهمانم کرد.

سفر من به لداخ با کمک اشخاص بسیاری آسان‌تر شد: اعضای انجمن امامیه و اتحادیه جوانان امامیه له به خصوص غلام حیدر استالامپا، شیخ میرزا حسین و اکبر علی؛ اعضای انجمن معین اسلام به خصوص محمد شافی وکیل؛ ناصر محمد، صاحب فانتازی تراول؛ فدای حسین، صاحب هتل؛ تاشی ربگیاس از گروه توسعه زیستی لداخ؛ شیخ غلام هادی از ماتم‌سرای لداخ. شیخ محمد علی زوبداوی از روستای تیکسه؛ و در چوشوت، سید نقی شاه، مدیر مدرسه هیئت امامیه. در کارگیل، شیخ انوار حسین شرف‌الدین از بنیاد یادبود امام خمینی که من را در مورد فتواهای سلسله مراتب مذهبی ایرانی‌ها راهنمایی کرد. وی. کی. سینگ، سر بازرس ارشد پلیس در له که در قلعه پشت بازار، شامی به یادماندنی به من داد، و اعضای انجمن بین‌المللی در مطالعات لداخ که به من اطلاعات و پیشنهادهای و نیز در زمان‌های مختلف کمک‌های عملی دادند؛ به خصوص مارتین ون بیک، نیکولا گریست، میک کو و عبدالغنی شیخ. من از سال ۱۹۹۰ در جاهای مختلف واحدهایی در زمینه سنت‌های شیعی تدریس

کرده‌ام، از جمله در دانشگاه کولگیت (در شمال ایالت نیویورک)، در دانشگاه پنسیلوانیا (در فیلادلفیا)، در دانشگاه لویولا (در شیکاگو) و در دانشگاه سانتا کلارا (در کالیفرنیا). هر بار که این موضوع را تدریس می‌کردم بیشتر دربارهٔ اسلام شیعی مطلب یاد می‌گرفتم. این بیش از همه از قبل دانشجویانم بود که در کلاس‌ها نکات خردمندانه و بحث‌های چالش‌برانگیزی مطرح می‌کردند. به خصوص از دانشجوییم، هدی المراشی، از دانشگاه سانتا کلارا، تشکر می‌کنم که به خواست‌مندان فرصتی فراهم کرد تا دسامبر ۱۹۹۷ در اجتماع شیعیان در بنیاد ائمه در مدرسهٔ سیتی آو نالج پومونا در کالیفرنیا ارائه‌ای بدهم.

بخش‌هایی از فصل این کتاب قبلاً در کتاب‌ها و نشریه‌های دیگری چاپ شده است. بخشی از فصل «در نشریهٔ *مسلم ورلد*، شمارهٔ ۸۷ (۱۹۹۷) صفحات ۲۳۵ تا ۲۵۷ منتشر شد. بخشی از فصل هفت اولین بار در *لادخ: فرهنگ، تاریخ و توسعه در فاصلهٔ هیمالیا و قراقرم*، از مجموعهٔ *تحقیقات اخیر دربارهٔ لادخ*، ۸، آرهوس، آکسفورد، اوکویل، سی‌تی: آرهوس یونیورسیتی، پارس و دهلی نو: استرلینگ پابلیشرز، ۱۹۹۹ (چاپ مجدد با مجوز از آرهوس یونیورسیتی پارس) به همت مارتین ون بیک و کریستوفر بریکس برتلسن و پل پدرسن چاپ شد. بخشی از فصل هشت در *ژورنال هیستوری آوریجنز* شمارهٔ ۳۸ (۱۹۹۹) صفحات ۸۵ تا ۱۰۰ تحت کپی‌رایت، ۱۹۹۹ دانشگاه شیکاگو با حفظ تمامی حقوق چاپ شد و بخشی از فصل نُه اولین بار در *مطالعات لادخ* شمارهٔ ۱۲ (۱۹۹۹) صفحات ۲۱ تا ۳۰ در اختیار مخاطبان قرار گرفت. از همهٔ این ناشران تشکر می‌کنم که به من اجازه دادند این مطالب را در کتاب بگنجانم. منابع متعددی هزینه‌های سفرهای مکرر به هند را تأمین کردند. بابت حمایت سخاوتمندانۀ انجمن فلسفی آمریکا و موقوفهٔ ملی علوم انسانی و آکادمی آمریکایی دین و همچنین طرح گرنت داخلی در دانشگاه لویولا شیکاگو تشکر می‌کنم. به خصوص از دانشکدهٔ هنرها و علوم و بخش مطالعات دینی دانشگاه سانتا کلارا بابت حمایت‌های مداومشان چه به صورت دلگرمی و چه به صورت گرنت‌هایی که برای سفر و تحقیق در اختیار من گذاشته‌اند، تشکر می‌کنم.